

سوره «انعام» (۶)

الف - مضمون و مفاد سوره:

در این مورد به تعریف مختصر و جامعی که در کتاب «سیر تحول قرآن (جلد دوم)» شده است اشاره می‌کنیم:

خصوصیت ممتاز و سراسری سوره لحن جدلی آن (Polémique) یعنی ایرادگیری و جوابگوئی به معتقدات و دعاوی مشرکین و ارائه تعلیمات و نظرهای توصیفی است. شاید در هیچ سوره‌ای (در یونس هم زیاد است) این اندازه کلمه «قل» (۴۴ بار) نیامده باشد. این جدل که متضمن رد استدلالی نظریات آنها و معرفی معتقدات و دستورهای اسلام است در اطراف دو مسئله می‌باشد: ۱- مسئله توحید و توصیف خدا و حقیقت وحی و نبوت پیغمبر، ۲- مسئله تحریم تحمیلی یک سلسله مأكولات ...

به این ترتیب این محتوای اصلی این سوره مسائل توحیدی (به معنای اعم) است که با استدلال و برهان، شرک و بت پرستی را نفی می‌کند. از این نظر، محور اصلی این سوره مسائل اعتقادی (ایدئولوژیک) در زمینه‌های توحید، نبوت و قیامت می‌باشد و در مقایسه با سایر سوره‌های قرآن ویژگی مستقل و متمایز دارد.

ب - اهمیت سوره

از گذشته این رسم و سنت پسندیده در خانواده‌های اصیل مذهبی معمول بوده است که به مناسبت‌های مختلف سوره انعام را به عنوان شکرگزاری یا توجه و تذکر قرائت می‌کردند. بدون تردید دستور اولیه و انگیزه اصلی این کار آگاهی و اشعار به نعمات بی‌پایان

الهی و خالص گشتن از پیرایه‌های شرک و دنیاپرستی بوده است، چرا که تأکید روی «انعام» الهی و تبیین مسائل توحیدی در این سوره بالاترین نسبت را در قرآن دارد، احتمالاً جلسات قرائت سوره انعام، در گذشته با مهمانی و اطعام مستمندان (به عنوان شکرگزاری) همراه بوده است، اما به مرور زمان، به دلایل مختلفی که اهم آن دوری از فرهنگ قرآنی و بیگانگی با زبان عربی بوده است، همانند بسیاری از سنت‌های نیکو، محتوای آن به دست فراموشی سپرده شده و قالب و ظاهر آن رونق و اعتبار یافته است، بطوریکه امروزه بسیاری از جلسات ختم انعام که به صورت پارتی و مهمانی اغنیاء درآمد، به عنوان نذر و نیاز و رفع گرفتاری‌ها و مشکلات شخصی تشکیل می‌شود. در این گونه جلسات، الفاظ سوره به عنوان سلسله اورادی، بدون آنکه به معنا و مقصود آن توجه شود، به نوبت و به سرعت قرائت می‌شود سپس بقیه وقت جلسه که باید به عبرت‌گیری و تجزیه تحلیل آیات قرائت شده صرف گردد، به گفتگوهای اغلب بی حاصل و پذیرائی‌های مفصل و اسراف صرف می‌گردد.

اگر به جای این تشریفات، در آیات این سوره تدبیر و تفحص شود، روح توحید در انسان زنده گشته آثار شرک و خودخواهی‌های گمراه کننده زائل می‌گردد. به خصوص در دنیای امروز، در مواجهه و مقابله با افکار و مکاتب مادی و ایدئولوژی‌های بشر ساخته، این سوره می‌تواند بیدارکننده و احیاگر مسلمانان باشد. در عظمت این سوره همین بس که روایت شده «سوره انعام را ۷۰ هزار فرشته به هنگام نزول بدرقه کردند و کسی که آنرا بخواند تمام فرشتگان برای او آمزش می‌نمایند.»

ج - سال نزول

اغلب مفسرین این سوره را به دلیل سیاق واحد و اتصال و ارتباط آیاتش که عمدتاً در مورد مشرکین است، مکی می‌دانند، البته تعدادی از مفسرین نیز بین ۲ تا ۶ آیه را مدنی گرفته‌اند. اما جداول کتاب «سیر تحول قرآن» نشان می‌دهد که کمتر از یک سوم سوره مکی (سال ۱۰ بعثت) است و دو سوم بقیه مربوط به سال‌های ۶ و ۱۰ هجری می‌باشد (۹۲ آیه سال ۶ هجری و ۲۰ آیه سال ۱۰ هجری).

جدول زیر ترتیب نزول گروه‌های هشت گانه این سوره را نشان می‌دهد:

۱- آیات ۱ ← ۳۰	سال نزول ۱۰ بعثت	موضوع جدال توحیدی، نبوت و آخرت
۲- « ۳۱ ← ۷۳ »	« ۶ هجری »	» » » » « بامختصری تشریح
۳- « ۷۴ ← ۸۲ »	« ۱۰ ب »	» » » » »
۴- « ۸۳ ← ۱۰۴ »	« ۶ ه »	» » » » »

موضوع جدال توحیدی، نبوت و آخرت	» ۵ « ۱۰۵-۱۱۷ سال نزول ۱۰ ب
» » » » »	» ۶ « ۱۱۸-۱۳۴ ب
جدال تشریحی روی مآکولات	» ۷ « ۱۳۵-۱۵۴ ۱۰ هـ
جدال توحیدی، نبوت و آخرت	» ۸ « ۱۵۵-۱۶۵ ۶ هـ

همانطور که ملاحظه می شود، گروه های همزمان کاملاً از یکدیگر تفکیک شده و به طور مرتبی یک در میان مخلوط شده اند، در حالیکه مطابق نظم بشری لازم بود خلاف این شیوه عمل می شد. این سیستم را قبلاً در سوره های بقره، آل عمران، نساء و مائده مشاهده کردیم، البته در این سوره تنوع موضوعات کمتر به چشم می خورد و محور اصلی همان جدال های توحیدی می باشد (با این تفاوت که این جدال ها در دوران مدینه با مختصری بحث های تشریحی همراه شده است).

د- شناخت سوره از طریق فرهنگ کلمات

یکی از راه های شناخت سوره های بلند قرآن بررسی درصد کلمات به کار رفته در آن سوره است. فقدان یا وفور هر کلمه در هر سوره معنای خاصی دارد که از طریق متوسط گیری آماری می توان به آن دست یافت. فرضاً اگر حجم یک سوره ۵٪ کل قرآن باشد از نظر آماری در شرایط مساوی لازم است از هر واژه تنها ۵٪ آن در سوره مورد نظر به کار رفته باشد. اما اگر این نسبت فرضاً تبدیل به ۵۰٪ شده باشد، در مورد واژه مورد نظر باید مطالعه و بررسی کرد، این نسبت نشان می دهد که سوره روی چه موضوعاتی توجه دارد و از چه کلماتی استفاده کرده است. مثلاً در سوره نساء مشاهده می کنیم کلمات: وصیت، ولد، یتامی منافقین، سبیل و ... بالاترین رقم را در قرآن دارد. از اینجا می فهمیم که این سوره مثلاً در مورد خانواده و ارحام و مردم شناسی می باشد، به همین نحو اگر خواسته باشیم در سوره انعام آمار گیری نمائیم، با توجه به اینکه محور اصلی سوره، جدال توحیدی و حجت و دلیل و برهان و منطق در برابر مشرکین می باشد، به نتایج ذیل می رسیم.

برخی از کلمات از جهت منفی و برخی از جهت مثبت محتوای سوره را نشان می دهند که به ترتیب به ذکر آن می پردازیم. همانطور که اشاره شد، این کلمات در سوره انعام بیشتر از سایر سوره های قرآن به کار رفته است:

۱- شرک - مشتقات این کلمه با ۲۹ بار تکرار در این سوره بالاترین رقم را، با اختلاف زیاد نسبت به سایر سوره ها، در قرآن دارد و نشان می دهد که محور اساسی مباحث این سوره مبارزه با انواع شرک است.

۲- ایمان - در حالیکه مشتقات کلمه ایمان در این سوره (نسبت به سایر سوره‌های بلند قرآن) به طور چشمگیری کم و ناچیز است، همین مقدار کم هم عمدتاً به طور منفی به کار رفته است. بطوریکه عبارت «لایؤمنون» با ۸ بار تکرار بالاترین رقم را در قرآن دارد و کلمه «یؤمنوا» هم در تمامی موارد با حروف نفی: لا - لم - ما کانوا به کار رفته است.

۳- ظللمات - از ۲۳ مورد کلمه «ظللمات» در قرآن ۶ مورد (۲۵٪) آن در این سوره می باشد که بالاترین رقم را دارد، منظور از ظللمات انواع تاریکی های جهل و گمراهی و ظلم و ضلالت و غیره می باشد.

۴- افتری - برخی از مشتقات کلمه افتراء (از جمله: افتری، افتراء، یفترون) و همچنین در مجموع مشتقات، این سوره مقام اول را دارد (۱۵٪ کل قرآن - ۹ مورد از ۶۰ مورد کل).

۵- کذب - مشتقات این کلمه ۲۱ بار در سوره انعام به کار رفته که از همه سوره‌ها بیشتر است (به استثنای سوره «الرحمن» که اگر ترجیح بند تکراری «فباء الاء ربکما تکذبان» را که ۳۱ بار به کار رفته به حساب بیاوریم مقام اول را دارد).

۶- ضلالت - مشتقات این کلمه با ۱۲ بار تکرار پس از سوره نساء (۱۶ بار) در قرآن مقام دوم را دارد.

۷- ظلم - برخی از مشتقات این واژه مثل «ظالمون» و «اظلم» در این سوره اول است. عبارت «فمن اظلم ممن افتری» سه بار در این سوره تکرار شده است. ظلم و ضلالت و کذب و افتری از مشخصات بارز مشرکین مورد بحث سوره می باشد.

۸- بغیر علم - از مشخصات مشرکین این است که تکیه گاه علمی برای نظریات گمراهانه خود ندارند. کلمه «علم» ۶ بار به صورت منفی در این سوره به کار رفته که از همه سوره‌ها بیشتر است.

۹- زعم - احواء - هریک از این واژه‌های سه گانه که معرف عملکردی متکی بر گمان و پندار و تمایلات نفسانی و دور از علم و دانش می باشد، در این سوره بالاترین رقم را در قرآن دارد (زعم ۵ بار از ۱۷ بار - تخرصون ۲ بار از ۵ بار - احواء ۴ بار در کل). معنای زعم، پندار و گمان و معنای «تخرص» سخن گفتن از روی حدس و تخمین می باشد. «احواء» نیز (که جمع هوی است) به تمایلات و نظریات نشئت گرفته از هوس‌ها و خواسته‌های دنیائی گفته می شود.

۱۰- زین - علیرغم جهل و نادانی و انحرافات متعدد، اعمال مشرکین به نظر خودشان کاملاً نیکو جلوه می کند، تزئین اعمال و خوب به نظر رسیدن آن از اشتباهات دیگر مشرکین است. در سوره انعام ۴ بار این اشتباه مورد تحلیل قرار گرفته که بالاترین نسبت در قرآن

می باشد.

۱۱- شیاطین - این کلمه (به صورت جمع) سه بار در سوره انعام به کار رفته است که بالاترین نسبت را دارد.

۱۲- جرم - معنای جرم گناهدانی است که از قطع رابطه با خدا و بریدن از معنویات حاصل می گردد. از مشتقات این کلمه در سوره های قبل (بقره - آل عمران - نساء و مائده) اصلاً به کار نرفته است، درحالیکه در این سوره کلمه مجرمین بعد از سوره های شماره ۱۰ و ۱۱ بالاترین نسبت را دارد.

۱۳- خَسَرَ - این کلمه که از خسران و زیان مشرکین حکایت می کند (به صورت ریشهِ کلمه، «خَسَرَ») بالاترین نسبت را در قرآن دارد.

جهات مثبت

علاوه بر کلمات منفی ذکر شده، کلمات دیگری نیز در این سوره به وفور به کار رفته است که هر کدام منظور و معنای به خصوصی را افاده می نماید. از جمله:

۱- آیه - در این سوره تکیه روی کلمه «آیه» با توجه به محتوای سوره که ارائه منطق و دلیل در جدال با مشرکین است، بسیار مورد توجه قرار گرفته است. خداوند آیات خود را علیرغم اعراض و بی اعتنائی منکرین در جلوه های متنوع در این سوره به نمایش گذارده است، بطوریکه در مجموع ۳۲ بار ترکیبات این کلمه به کار رفته که از همه سوره های قرآن بیشتر است.

۲- صرف - فِصْل - صَدَف - در رابطه با کلمه «آیه»، کلمات دیگری نیز مطرح شده است که هر کدام با نسبت قاطعی بالاترین رقم را در کل قرآن دارند. معنای صَرَفَ (تَصْرَفَ الآیات) تنوع کیفیت و شکل ارائه آیات متناسب با استعدادها، سلیقه ها، درک و فهم ها و ظرفیت های مختلف انسانها می باشد. معنای فِصْل (نُقُصَل الآیات) توضیح و تفصیل و شرح دقیق آیات برای روشن کردن اذهان مردم می باشد که مخالف آن اجمال می باشد. عکس العمل مشرکین در برابر این تنوع و تفصیل، اعراض شدید و بی اعتنائی کامل می باشد که معنای جامع این حالت را قرآن با کلمه صَدَفَ (یصدفون) معرفی کرده است. همانطور که معنای «تصادف» تقابل و برخورد شدید است، مفهوم «صدف عن آیات» اعراض و مقابله شدید نسبت به نشانه های الهی می باشد.

(کلمه صَدَفَ ۴ بار از ۵ بار، کلمه نَصْرَفَ ۳ بار از ۴ بار و کلمه فِصْلَ ۵ بار از ۱۷ بار را در کل قرآن حائز می باشند که تماماً رقم اول را دارند).

۳- صراط مستقیم - ارائه آیات و تصریف و تفصیل آنها برای هدایت به راه راست می باشد، از این نظر این معنا (صراط مستقیم) ۴ بار در سوره انعام به کار رفته است که از بقیه سوره های قرآن بیشتر است.

۴- هدایت - پس از سوره بقره مشتقات کلمه هدایت در سوره انعام بیشتر است.

۵- رحمت - پس از سوره های هود و اعراف (هر کدام ۸ بار) مشتقات کلمه رحمت در سوره انعام (۶ بار) دومین نسبت را دارد.

۶- انعام - از جمله نعمت های الهی، یکی هم در استخدام و استفاده قرار دادن «انعام» (چهارپایان) برای ابناء بشر می باشد که از گوشت و پوست و پشم و شیر و ... آن استفاده می کند و در سواری و حمل بار نیز از آن سود می جوید. در این سوره ۶ بار کلمه انعام به کار رفته است که بالاترین نسبت را دارد. به دلیل اهمیت این موضوع نام سوره نیز به جای اینکه روی مفاهیم تجریدی ذهنی قرار گیرد، روی این نعمت شناخته شده تمامی انسان ها قرار گرفته است.

۷- رب - همه این نعمت ها از ناحیه پروردگار و ارباب و سرور عالمیان برای تربیت و رشد انسان است، شاید به همین دلیل باشد که کلمه «رب» در ترکیب با برخی از ضمایر مثل: «ک» و «هم» در این سوره بالاترین رقم را دارد (ربک ۱۷ بار)، (ربهم ۱۰ بار).

۸- درس - درجات - در رابطه با تربیت و رشد انسان برخی دیگر از کلمات همچون درس و درجه در این سوره مقام نخست را به طور نسبی دارد (درس ۲ بار از ۸ بار و درجات ۳ بار از ۱۴ بار در کل قرآن).

۹- عدل - کلمه عدل در دو مفهوم مخالف (دادگری و عدول از حق) در مجموع مشتقات ۷ بار در این سوره به کار رفته که بالاترین نسبت را دارد.

۱۰- نظاره - دستور «انظر» و «انظروا» به معنای مشاهده دقیق موضوعات در این سوره بیشترین کاربرد را دارد (توجه به موضوع سوره).

۱۱- شیعی - در این سوره ۲۰ بار کلمه «شیعی» به کار رفته که به عنوان موضوع مورد نظاره و تفکر انسان بیشترین کاربرد را دارد.

۱۲- آزادی و اختیار انسان

از آنجائی که محور اساسی این سوره جدال اعتقادی با مشرکین و برخورد های ایدئولوژیک می باشد، برای آنکه مبدا چنین توهم و تصور شود که رسالت مسلمانان قلع و قمع و نابودی فیزیکی مشرکین است، به شدت روی آزادی و اختیار انسان و مهلتی که

خداوند در مدت دنیا به خاطر ابتلاء و امتحان انسان‌ها قرار داده، تأکید شده است. بطوریکه در هیچیک از سوره‌های قرآن این مقدار یادآوری نشده است. روی هم رفته می‌توان ۲۳ آیه این سوره را (حدود ۱۵٪) در رابطه با مفهوم آزادی و اختیار شمرد (آیات: ۳۳-۳۵-۶۶ تا ۶۸-۹۱-۱۰۴ تا ۱۱۳-۱۱۷-۱۱۹-۱۳۵-۱۳۷-۱۴۷-۱۵۸-۱۶۵) برخی از کلماتی که در این رابطه قابل توجه هستند به قرار ذیل می‌باشند:

قل - فرمان «قل» خطاب به پیامبر ۴۴ مرتبه در این سوره به کار رفته است که رسول اکرم نیز عین فرمان را که بیان و منطلق الهی (نه بیان پیامبر) به شمار می‌رود، حتی با ذکر کلمه «قل» (بگو)، به مردم ابلاغ فرموده است. این نسبت بالاترین رقم را در قرآن دارد و تأکید پروردگار را در ارتباط کلامی رسولش با مردم و تبیین آگاهانه مکتب نشان می‌دهد. تکرار این خطاب، اهمیت رابطه منطقی برقرار کردن با مردم و حرف زدن با آنها و موضع تفکر و تعقل (نه تقلید) را در این مکتب نشان می‌دهد.

ذر - معنای «ذر» در فرامین: ذرهم، تذرهم و ... آزاد و به اختیار خود گذاشتن و عدم دخالت در کار مشرکینی است که خداوند به آنها در مدت دنیا اختیار داده است. مشتقات این کلمه ۸ بار در سوره انعام به کار رفته که بیشترین نسبت را دارد.

ولو شاء - در این سوره ۶ بار عبارت «ولو شاء ...» در رابطه با آزادی و اختیار گمراهان به کار رفته است که همه جا مشیت الهی را در عدم به کار بردن جبر و فشار در سرنوشت انسان نشان می‌دهد:

لو شاء الله ما اشركوا، لو شاء الله لجمعهم على الهدى، لو شاء ربك ما فعلوه، لو شاء الله ما اشركنا، لو شاء لهديكم اجمعين.

کلمه «شاء» ۸ بار در این سوره به کار رفته که بالاترین رقم می‌باشد. وکیل - سه بار در این سوره بر این موضوع تأکید می‌کند که خداوند اختیار بندگان را به رسولش نسپرده است.

حفيظ - ۲ بار در این سوره بر این موضوع تأکید می‌کند که رسول خدا نگهبان و محافظ بندگان در ارتکاب گناهان نیست.

*

ر - خلاصه و نتیجه سوره

اولین آیه این سوره همانند اغلب سوره‌های قرآن فهرست مندرجات و راهنمای سوره است، بسیاری از کلمات اولین آیه سوره انعام (همانند: ظلمات، عدل، ربهم) در این سوره

بیشتر از سایر سوره‌های قرآن به کار رفته است. کلمه «سماوات» نیز در این سوره ۸ بار آمده که پس از بقره و آل عمران (۹ بار) بالاترین نسبت را دارد.

همچنین ۵ آیه آخر سوره، خلاصه و نتیجه‌گیری و جمع‌بندی جامعی از سوره به‌شمار می‌رود که بی‌نیاز از توضیح اضافی می‌باشد. در این آیات توحید خالص در دین قیمی که ابراهیم خلیل بنیانگزار آن بود، از زبان پاک‌ترین ذریه‌اش محمد رسول‌الله (ص) دقیقاً تشریح شده است.

ز - آهنگ خاتمه آیات

منظور از آهنگ خاتمه آیات حرفی است که آیه با آن ختم می‌شود. از ۱۶۵ آیه سوره انعام ۱۴۴ آیه آن با حرف «ن» ختم می‌شود، و ۲۱ آیه باقیمانده با حروف م (۱۳ بار)، ر (۴ بار)، ل (۳ بار)، ظ (۱ بار). جالب اینکه تمامی آیاتی که با حرف «ن» ختم می‌شوند به‌نحوی به‌انسان و عملکرد او مربوط می‌شوند^۱. از ۲۱ مورد باقیمانده ۱۸ مورد صفات خداوند یا اراده و مشیت او را در قیامت و قرار دادن راه راست نشان می‌دهد و ۳ مورد دیگر مربوط به رسول اکرم (ص) است.

حرف «م» (۱۳ بار) مثل: علیم (۷ بار)، رحیم (۳ بار)، یوم عظیم (۱ بار)، صراط مستقیم (۲ بار).

حرف «ر» (۴ بار) مثل: خبیر (۳ بار)، قدیر (۱ بار)

حرف «ل» (۱ بار) مثل: وکیل (۱ بار)

جالب اینکه آهنگ سه‌آیه مربوط به رسول اکرم از نظر لحن (به‌دلیل تنوین آن) مانند حرف «ن» که عملکرد انسان است خوانده می‌شود، اما در نوشتن که حقیقت کلمه نشان داده می‌شود، حروف دیگری (غیر از «ن») به کار رفته است که ارتباط با خداوند را تداعی می‌کند. سه‌آیه موردنظر که با تنوین خاتمه یافته به‌قرار ذیل می‌باشند:

آیه (۶۶) قل لست علیکم بوکیل

» (۱۰۷) ما انت علیهم بوکیل

» (۱۰۴) ما انا علیکم بحفیظ

۱. برخی از این آیات در ظاهر به‌نظر می‌رسد ارتباطی به اعمال انسان نداشته باشد، ولی در حقیقت چنین نیست و با مختصری دقت نکته ظریف آنرا می‌توان فهمید. مثل: آیه ۷۱ (رب العالمین). گرچه «رب» نام خداوند است، اما «عالمین» که آیه به آن ختم شده معنای دیگری دارد. همچنین آیه ۶۲ (هو اسرع الحاسبین) که حاسبین انسان‌ها هستند. همچنین آیه ۱۶ (ذلک الفوز المبین) و آیه ۵۹ (کتاب مبین)

قابل توجه است که هیچیک از ۱۶۵ آیه این سوره به جز این ۳ مورد با تنوین ختم نشده است.

پیامبر که واسطه میان خالق و مخلوق است، از نظر بشری همانند سایرین است (انا بشر مثلکم یوحی الی) اما به دلیل وحی و کلام الهی سخن و عملش با سایر انسانها تفاوت دارد. پس ظاهر او مشابه سایر انسانها و باطن او مغایر با آنها می باشد.

* نکته مهمی که در سوره های قرآن قابل توجه است، همین تغییر آهنگ انتهای آیات می باشد که به طور ناگهانی نظم آنها به هم می زند. این تغییر آهنگ به نظر می رسد عمدی و برای جلب توجه بیشتر خواننده بوده باشد، عجیب اینکه در آیات کلیدی سوره که به اصطلاح شاه بیت آن است، این تغییر رخ می دهد، گوئی می خواهد اذهان را متوجه محورهای زیربنائی سوره بکند (به عنوان آزمایش به موارد استثنائی این سوره، به خصوص آیات ۱۰۱ تا ۱۰۷ آن توجه کنید).

س - نام های نیکوی الهی

از کاربرد اسماء الهی در هر سوره تا حدودی می توان به مضمون و محتوای آن در مقایسه با سایر سوره ها پی برد. در این سوره این اسامی به کار رفته است:

الله (۸۷ بار) - علیم (۷ بار) - حکیم (۵ بار) - خبیر، غفور و رحیم (هر کدام ۳ بار) - سمیع و فائق (۲ بار) - فاطر، قدیر، قاهر، شهید، واحد، عزیز، خالق، وکیل، لطیف و غنی (هر کدام یک بار) - رب (۴ بار) - رب مضاف (۵۱ بار با ضمائر).

ارتباط سوره های انعام و اعراف (۶ و ۷)

در ختم قرائت سوره انعام و ورود به سوره اعراف تداوم چند موضوع را می توان به وضوح مشاهده کرد که حکایت از پیوستگی و ارتباط مطالب دو سوره و دنباله گیری موضوعات مطرح شده سوره انعام در ابتدای سوره اعراف می کند. ذیلاً به برخی از این موارد اشاره می کنیم:

۱- توحید - عصاره عالیترین فرازهای توحیدی سوره انعام را در سه آیه ۱۶۱ تا ۱۶۳ اواخر آن خطاب به پیامبر می توان یافت:

قل انتی هدینى ربى الی صراط مستقیم دیناً قیماً مله ابراهیم حنیفاً و ما انا من المشرکین

قل انّ صلوتى و نسکى و محیای و مماتى لله رب العالمین
لا شریک له و بذلک امرت و انا من المسلمین.

لا شریک له وبذلک امرت و انا من المسلمین.

در سوره اعراف نیز پس از بیان نزول قرآن برای انذار و تذکر، نتیجه‌ای از آن می‌گیرد پیروی از این کتاب و به دوستی و ولایت نگرفتن اولیاء غیر از او می‌باشد که همین کلمه «ولایت» توحیدی جامع اوصافی است که در سوره قبل به آن اشاره رفت.

اتبعوا ما انزل الیکم من ربکم ولا تتبعوا من دونه اولیاء قلیلاً ما تذکرون.

۲- خلافت و تمکن در زمین

در آخرین آیه سوره انعام از جانشین (نسل یا نظام و حکومت قبل) شدن در زمین (شهر و دیار و کشور) و به مقام و درجات مختلفی که بعضی را فوق بعضی قرار می‌دهد (از نظر مقام و قدرت و ثروت) سخن می‌گوید و با این کلام که هشدار برای آگاهی از ابتلای الهی در امکانات (تسلط بر دیگران یافتن) و سریع العقاب بودن خدا (در سوء استفاده از قدرت) و غفور و رحیم بودن او (نسبت به کسانی که توبه و اصلاح کنند) می‌باشد سوره را پایان می‌دهد (و هو الذی جعلکم خلائف الارض و رفع بعضکم فوق بعض درجات لیبلوکم فی ما اتیکم ان ربکم سریع العقاب و انه لغفور رحیم).

همین معنا را در دهمین آیه سوره اعراف با ذکر «تمکین» و اقتدار یافتن در زمین و بهره‌مندی از معایش (روزی و وسیله عیش و رفاه) بیان می‌نماید که در واقع تفصیلی است از اجمال «لیبلوکم فیما اتیکم» سوره انعام:

و لقد مکنکم فی الارض و جعلنا لکم فیها معایش قلیلاً ما تشکرون.

۳- جزای اعمال - در اواخر سوره انعام (آیه ۱۶۰) ده برابر بودن پاداش کار نیک و مساوی بودن جزای کار بد و ستم نشدن و محروم نماندن بندگان از حق خود را مورد تأکید قرار می‌دهد:

من جاء بالحسنه فله عشارمئثالها و من جاء بالسیئه فلا یجزی الامثلها و هم لایظلمون.
و در آیات ۸ و ۹ سوره اعراف حق بودن سنجش و داوری در روز قیامت (تحقق یافتن نتیجه اعمال به درستی و به عدالت) و رستگار شدن نیکوکاران و خسران یافتن ظالمان را هشدار می‌دهد:

والوزن یومئذ الحق فمّن ثقلت موازینه فاولئک هم المفلحون

و من خفت موازینه فاولئک الذین خسروا انفسهم بما کانوا بایاتنا یظلمون.

در هر دو سوره از یک موضوع سخن گفته است ولی چنین به نظر می‌رسد که در سوره انعام، فضل و نعمت خدا برای افزایش جزای کار خیر مورد نظر باشد، و در سوره اعراف حقانیت و عدالت در سنجش و داوری روز حساب (والله اعلم).